

نمود جنسیت در زبان، پژوهش زبانشناسی جنسیت با رویکرد جامعه شناسی در لهجه هورامی گویش کردی در غرب ایران

نویسنده اول: سید جمال حسینی

دانشجوی دکتری زبان شناسی همگانی، مرکز تحصیلات تکمیلی پیام نور تهران

Email:havar.hosaen@yahoo.com

نویسنده دوم: فرشته سهامی

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی دانشگاه پیام نور واحد تهران جنوب

Email:sahami.farzaneh@yahoo.com

نویسنده سوم: بهمن زندی

دکتری زبانشناسی استاد دانشگاه پیام نور تهران

چکیده

پژوهش‌های زبان شناسی جنسیت از جامعه شناسی جنسیت سرچشمه گرفته و از آن جدا شده است. در این پژوهش تلاش شده است تا علاوه بر نگاهی گسترده بر پژوهش‌های زبان شناسانه جنسیت به بررسی تفاوت گفتارمردان و زنان در لهجه هورامی در زبان کردی بپردازد. تظاهر جنسیت در این لهجه ساختاری است یعنی به صورت ساختواژی-نحوی است. البته شایان ذکر است که این تظاهر ساختواژی جنسیتی در مناطق جغرافیایی خاصی از منطقه ی اورمان (هورامان) دیده می‌شود که شامل اورامان تخت و روستاهای اطراف آن می باشد. پس در سراسر این مقاله واژه اورامان به معنای کلی آن مدنظر نمی‌باشد. روش تحقیق به صورت میدانی است و جمع آوری داده‌ها بر شیوه مصاحبه با گویش وران بومی استوار است. نمود جنسیت به صورت حضور یا عدم حضور واج /a/، /ā/ و یا تبدیل واج /a/ به /e/ تظاهر پیدا می‌کند. این تفاوت گفتاری بین زنان و مردان در این گویش به دیگر سطوح گفتاری مانند معنا شناسی نیز نفوذ کرده و در برخی موارد خود را نشان می دهد .

کلیدواژه: زبان شناسی جنسیتی - جنسیت ساختاری - جنسیت واژگانی - شمار - موضوع - افعال تک ظرفیتی

پرداختن به مسئله‌ی جنسیت در زبان و مطالعات زبان شناسی بسیاری از حوزه‌های دیگر زبان‌شناسی و میان رشته‌ای آن را نیز در برمی‌گیرد. مطالعاتی که تاکنون در این زمینه صورت گرفته است چه در متون لاتین و چه در مطالعات ایرانیان همگی حاکی از این مسئله است که عناوین و مسایلی از این دست را نمی‌توان به گونه‌ای مستقل بررسی کرد و خواه ناخواه علمی از قبیل جامعه‌شناسی زبان، روان‌شناسی، مردم‌شناسی، و گاهی اوقات علمی از قبیل جغرافیای طبیعی و اطلس‌شناسی یک زبان یا یک گویش را نیز در بر می‌گیرد. جنسیت در معنای اولیه و ساده انگارانه‌ی آن به تقسیم دو جنس مؤنث و مذکر از لحاظ زیست‌شناسی اشاره دارد اما زمانی که این پدیده در زبان و مطالعات علوم اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد نمی‌توان به این تقسیم‌بندی ساده بسنده کرد.

جنسیت در زبان می‌تواند انعکاسی از جامعه، فرهنگ و روان‌شناسی جمعی یک جامعه‌ی زبانی را به نمایش بگذارد. اگرچه ما از دریچه‌ی زبان خود به طور مطلق به جهان نمی‌اندیشیم و تصورات ما را زبان ما به وجود نمی‌آورند و آن را شکل نمی‌دهند اما تصورات ما، افکار ما و رویاها و باورهای ما به گونه‌ای در زبان منعکس می‌شود. این قبیل اظهارنظرها به حکمی قطعی و مسلم منجر نمی‌شود و مطالعات در این زمینه همچنان ادامه دارد. برای مطالعه‌ی جنسیت در زبان می‌توان از حوزه‌ها و زاویه‌های متفاوتی به قضیه پرداخت مطالعاتی در حوزه‌ی تحلیل کلام در مورد جنسیت صورت گرفته است. برخی از واژه‌ها با توجه به کاربرد آن در جنس ویژه‌ی آن واژه جنسیتی شده است این نوع تفاوت جنسیتی بیشتر ترجیحی است^۱. می‌توان ادعا کرد که زبان فارسی زبانی است که تفاوت جنسیتی ترجیحی دارد در مواردی بعضی از واژه‌ها جنسیتی است و به جنس خاص - زن یا مرد - تعلق دارد که از باز کردن این بحث در این مختصر خودداری می‌کنیم، برخی دیگر از نموده‌های جنسیتی در زبان به صورت ساختواژی - نحوی تظاهر پیدا می‌کند که هدف این مقاله و پژوهش می‌باشد.

روش تحقیق

جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش بر پایه‌ی مصاحبه‌ی یکی از روشهای اصلی برای قوم‌نگاری و تحقیقات میدانی می‌باشد استوار است. جامعه آماری در سه طبقه از سنین مختلف (جوان، میانسال، و کهن سال) در این جستار را تشکیل داده‌اند و در حد توان در شرایطی طبیعی و غیر آزمایشگاهی در محاوره شرکت داده شده‌اند و اطلاعات بدست آمده از آنها تحلیل گردیده است.

پیشینه پژوهش

ما می‌توانیم جنس را به معنای تفاوت‌های زیست‌شناختی و کالبد شناختی میان زنان و مردان از فعالیت‌های جنس متمایز کنیم همچنین باید تمایز مهم دیگری بین جنس و جنسیت قایل شویم در حالی که جنس به تفاوت‌های فیزیکی بدن اشاره دارد و جنسیت به تفاوت‌های روان‌شناختی اجتماعی و فرهنگی بین زنان و مردان مربوط می‌شود (Simpson James, 2011). تمایز بین جنس و جنسیت تمایزی اساسی است زیرا بسیاری از تفاوت‌ها میان مردان و زنان دارای منشا زیست‌شناختی نیستند. به عبارتی دیگر جنسیت نمود ویژگی‌های و مواجهه با زندگی اجتماعی و فرهنگ از طریق اجتماعی شدن است. (سفیری خدیجه ۱۳۸۸)

۱- تفاوت جنسیتی انحصاری: عبارت است از گونه‌های گفتاری کاملاً متفاوت مردان و زنان در یک جامعه معین. تفاوت جنسیتی ترجیحی این پدیده در بسامد مد نسبی استفاده زنان و مردان از عناصر واژگانی واحد یا مشخصه‌های زبانی دیگر انعکاس می‌یابد. (اگرادی ویلیام، دایرولسکی مایکل، آرنف مارک، ترجمه محمد علی درزی ۱۳۸۰)

در جامعه شناسی از تفاوت‌های جنسی بیولوژیک برای توضیح دادن و مشروعیت بخشیدن به تقسیم جنسی کار در خانواده و جامعه به طور کلی سود جست‌اند. تاپگر (tiger) و فاکس (fox) ۱۹۷۲ چنین استدلال می‌کنند که زن و مرد برنامه‌ریزی‌های بیولوژیک یا برنامه‌های ژنتیکی متفاوتی دارند که زمینه ساز رفتارهای متفاوت آنها است (استفانی گرت ، ، ترجمه کتابیون بقایی ۱۳۸۰)

اولین پژوهش‌های جدی دانشگاهی در رابطه بین زبان و جنسیت در ۱۹۲۲ به وسیله اتویسپرسین انجام شد که بعدها در سال ۱۹۷۵ توسط کلاف در کتاب *language and womans place* بیشتر به آن پرداخته شد (simpson james 2011) بررسی مقوله جنسیت در زبان نشان داد که تاثیرپذیری زبان‌ها از جنسیت یکسان نیست... اثر جنسیت در زبان را هم در سطح واژگان زبان و هم در سطح ساختار زبان می‌توان مشاهده کرد وجود ضمایر جداگانه برای مذکر و مؤنث در زبان انگلیسی و فرانسوی و عربی افعال جداگانه برای مذکر و مؤنث در زبان عربی و حرف تعریف مذکر و مؤنث در زبان فرانسه بیانگر اثرپذیری ساختار زبان از جنسیت است. در فرانسه اسامی بر اساس مؤنث و مذکر طبقه‌بندی می‌شوند و همچنین لازم است حرف تعریف صفت و ضمیری که برای اسم به کار می‌روند در جنسیت با اسم مطابقت داشته باشند در زبان‌های امریکای جنوبی با توجه به گوینده و مخاطب و رابطه آن‌ها با یکدیگر در زبان جنسیتی به کار می‌رود که در دستور زبان و ساختار تظاهر پیدا می‌کند (R.francose ۲۰۱۵) که در تحلیل داده‌ها در این پژوهش به انواع جنسیت از این رویکرد بیشتر پرداخته می‌شود. زنان و مردان به طور مشترک در بیشتر فعالیت‌های اجتماعی شرکت دارند اما به نظر می‌رسد که در برخی زمینه‌ها زنان و در برخی دیگر مردان نقش فعال‌تری دارند. این امر سبب پیدایش تفاوت‌های زبانی معینی میان این دو گروه می‌گردد. «با آن که عامل جنسیت در اصل جنبه بیولوژیکی دارد اما از آنجا که زنان و مردان نقش‌های اجتماعی یکسانی بر عهده ندارند جنسیت را نیز معمولاً یک عامل اجتماعی به شمار آورده اند (یحیی مدرسی ۱۳۶۸) در هر جامعه زنان و مردان عادات حرکات و رفتارهای اجتماعی خاص خود را دارند. به عنوان مثال شیوه راه رفتن، خندیدن و...، به نحوه کم و بیش آشکاری با هم تفاوت دارد. در هر جامعه زبانی مردان و زنان اصطلاحات خاص و گاه حتی گرایش‌های ویژه خود را در کاربرد الگوها و ویژگی‌های دستوری و آوایی دارند. پژوهش‌های لباو به شیوه‌ای علمی در شهر نیویورک نشان داده‌اند که میان جنسیت و رفتارهای زبانی همبستگی‌هایی وجود دارد. بنابراین می‌توان بخشی از گوناگونی‌های موجود در زبان یک جامعه را بر اساس جنسیت گویندگان آن زبان توضیح داد.

در مورد علت اصلی تفاوت میان رفتار زبانی مردان و زنان نظریات مختلفی ابراز شده است گروهی این تفاوت‌ها را نتیجه برخورد و آمیزش زبان‌های مختلف دانسته‌اند که به سبب برخوردهای نظامی، فرهنگی، ... حاصل می‌گردد (یحیی مدرسی ۱۳۶۸)

زبان‌شناسانی مانند یسپرسن پدیده تابو را عامل تعیین‌کننده‌ای در پیدایش تفاوت‌های زبانی مردان و زنان دانسته‌اند، از این دیدگاه تفاوت‌های واژگانی و ساختاری میان زنان و مردان بیشتر به دلیل آن است که هر جنس از کاربرد اصطلاحات یا ویژگی‌هایی که به نوعی با جنس مخالف مرتبط گشته‌اند پرهیز می‌کنند البته در همه موارد تابو در سطح واژگان عمل نمی‌کند و ممکن است دامنه نفوذ آن به نظام صوتی یک زبان نیز کشیده شود مانند زنان زولو که مجاز به استفاده از واج / Z / نیستند.

گروه دیگری معتقدند که دلیل اصلی تفاوت‌های زبانی زنان و مردان، موقعیت و نقش اجتماعی متفاوتی است که هر یک از این دو گروه در یک جامعه دارند.

Women and men are different because language positions us differently. In this view, subjectivity – our sense of selves – is something constructed, not pre-given and our gender identities are not fixed. We take up positions in our enactment of discourse practices so our identities are constructed moment by moment (simpson james 2011)
(Talbot 1998: 144)

به نظر رایج لیکاف تفاوت‌های زبانی میان زنان و مردان یکی از نتایج نابرابری‌های اجتماعی است که از نظر نقش و موقعیت اجتماعی میان اعضای این دو گروه وجود دارد، حتی در جامعه‌های پیشرفته‌ی امروزی نیز زنان به طور نسبی پایگاه اجتماعی کم‌ثبات‌تر و نقش‌های اجتماعی محدودتری دارند. این بی‌ثباتی و تزلزل اجتماعی در رفتار زبانی آنان بازتابی قابل ملاحظه دارد، که به نظریه نقصان (deficit theory) معروف است.

a girl is damned if she does and damned if she doesn't. If she refuses to talk like a lady, she is ridiculed and subjected to criticism as unfeminine. If she does learn [lady-like language], she is ridiculed as unable to think clearly, unable to take part in a serious discussion: in some sense as less than fully human. These two choices which a woman has – to be less than a woman, or less than a person – are highly painful. (Simpson James 2011)

(Lakoff 1975: 5)

لیکاف صحبت زنان را منحصر به موضوعاتی سطحی، غیر جدی، مرتبط با علاقه شخصی در مورد موضوع مشخص می‌داند و سپس نتیجه می‌گیرد که مردان با کاری که در جامعه انجام می‌دهند و زنان با مردانی که با آنها در ارتباط هستند معرفی می‌شوند. تفاوت‌های زبانی در نظر لکاف نشانه بیماری است و نه علت آن.

دیل اسپندر فمینیست رادیکال نقدهایی بر لکاف وارد نمود. در نظر اسپندر برای نظم بخشی و معناداری به جهان نیازمند قواعدی هستیم و قواعدی که با آن زندگی می‌کنیم طبیعی نیستند بلکه این قواعد مرد ساخته اند. یکی از فراگیرترین و در عین حال مخفیانه‌ترین آنها قواعد معنایی مرد معیار هستند. در نظر اسپندر مردان در موقعیتی از قدرت، سلطه و کنترل قرار داشته‌اند که توانسته‌اند جهان را از زاویه‌ی دید خودشان نام‌گذاری کنند و زبانی را بسازند که برای اهداف خودشان مناسب است. زبان شکل‌دهنده درک ما از جهان خارج است. نظام‌های فکری ما تحت تاثیر زبان اجتماع ما می‌باشد به طوری که زبان ما در جامعه اندیشه ما را در مورد واقعیت شکل می‌دهد و اندیشه و قدرت حاصل شده از زبان، در آفرینش زبانی تاثیر خواهند گذاشت. حال این سوال مطرح می‌شود این زبانی که درک ما را از هستی به وجود می‌آورد در اختیار چه کسانی است؟ و چه کسانی بیشتر از قابلیت قدرت آفرین زبان بهره می‌گیرند؟ صاحبان قلم، نویسندگان، روزنامه‌نگاران، شاعران، متفکران و رسانه‌ها را چه کسانی تشکیل می‌دهند؟ آیا جز این است که زبان همواره در اختیار مردان قرار داشته است، تا ۲۰۰ سال پیش حتی یک کتاب هم یافت نمی‌شد که توسط زنان نوشته شده باشد. اصولاً زن‌ها نمی‌توانند شخصیتی مختص خود و بنابر خواسته‌های خود داشته باشند به گفته مارگارت میر زن‌ها طوری اجتماعی می‌شوند که وجود خود را از دیدگاه مردان بشناسند و با دیدگاه‌های مردانه نقش خود را بپذیرند و خود را ارزیابی کنند.

در نظریه‌ی، تفاوت، دبورال تنن با پذیرش تفاوت‌های کلامی زنان و مردان تفاوت‌های آن را نه ناشی از فرودستی زنان و نه نتیجه سلطه فراگیر مردان می‌داند، او با پذیرش سلطه مردان در جامعه این سلطه را همیشه نتیجه سلطه نمی‌داند. او زنان و مردان را دارای سبک‌های زبانی متفاوت ولی با درجه اعتبار یکسانی می‌داند.

Early work on women's language had labelled it 'tentative' or 'powerless'. More recently and in reaction to this, there has been a move to value women's talk more positively, using terms such as 'co-operative' (Simpson James 2011)

(Coates 1988: 95)

نقش‌های اجتماعی گوناگون الگوهای رفتاری متفاوت و انتظارات اجتماعی مختلفی به وجود می‌آورد و به همین جهت است که انتظارات اجتماعی از زنان و مردان در زمینه رفتار اجتماعی آنها یکسان نیست. رفتار زبانی یکی از جنبه‌های رفتار اجتماعی انسان است و بنا بر این تابع ملاک‌ها و اصول کلی آن است.

رفتار زبانی زنان و مردان در جامعه‌های زبانی مختلف به درجات گوناگون با یکدیگر متفاوت است. در برخی از جامعه‌ها، این تفاوت‌ها در اختلافات واژگانی محدودی خلاصه می‌شوند و در جامعه‌های دیگر میزان تفاوت‌ها قابل ملاحظه‌تر است و ویژگی‌های واژگانی تلفظی و دستوری زیادی را در بر می‌گیرد. تفاوت‌های زبانی مردان و زنان دلایل غیر زبانی مختلفی دارند که یکی از مهم‌ترین آنها نقش‌های اجتماعی متفاوتی است که این دو گروه در هر جامعه بر عهده دارند. به نظر می‌رسد که هرچه تفاوت نقش‌های اجتماعی این دو گروه در یک جامعه بیشتر باشد تفاوت الگوهای رفتاری آنها و از جمله الگوهای رفتار زبانی آنها بیشتر است." به قول لباو چنین به نظر می‌رسد که نرخ پیشرفت یک تحول زبانی و نیز جهت آن به میزان قابل ملاحظه‌ای به حساسیت خاص زنان نسبت به آن بستگی دارد" (یحیی مدرس‌سی ۱۳۶۸)

تحلیل داده‌ها

انواع جنسیت طبق طبقه‌بندی هاس (۱۹۹۴) به شرح زیر است: (R.francose2015)

TABLE 1
TYPES OF GENDER INDEXICALITY

Type 1	Gender of the speaker
Type 2	Gender of the addressee
Type 3	Relation gender

Adapted from Haas (1944).

البته در آخرین پژوهش از زبان‌های امریکای جنوبی در مجله زبان شناسی دانشگاه شیکاگو پارامترهایی از جنسیت معرفی گردیده است که در زیر آورده می‌شود (R.francose2015)

- (i) gender of the speaker vs the addressee vs both
- (ii) locus of gender indexicality
- (iii) categorical vs statistical gender indexicality
- (iv) non-referential vs referential gender indexicality

در برخی از زبان‌ها این دو فاکتور یعنی جنسیت و شمار در تعامل با یکدیگر عمل می‌کنند و در صورتهای مفرد و جمع شکل‌های گوناگونی دارند در مقایسه‌ای دو زبان یکی زبان (karata) از زبان‌های آفریقایی و زبان آلبانیایی تعامل جنسیت و شمار نشان داده شده است به جدول زیر توجه بفرمایید (M, baerman and D-Brown and G-Corbett2005).

a. karata (cmagometbekova . 1967 : 372)		b. Albanian (New mark 1982 : 263)	
SG	PL	SG	PL
M	hadiw	M	ky ————— këta
F	hadij	F	kjo ————— këto
N	hadiraj	N	

همان‌گونه که مشاهده می‌کنید در این زبان جنسیت در شمار یعنی مفرد و جمع در ساختواژه تظاهر دارد و نشان داده می‌شود البته حالت خنثی نیز در آن به صورت ساختواژی تظاهر پیدا کرده است. به نمونه‌های دیگری از تفاوت جنسیتی در گفتار از زبانهای امریکای جنوبی توجه کنید. (R.francose2015)

(1) würinauga/gúñaru

'yesterday ♀/yesterday ♂' 5

(2) uá/inó

'no ♀/no ♂'

(3) hiñaru/würi

'woman ♀/woman ♂'

قبل از پرداختن به تحلیل لهجه هورامی مختصری از آن را معرفی می نماییم. لهجه گوران یکی از لهجه های زبان کردی است که در بخش جنوبی از شمال راه ارتباطی مابین قصر شیرین-کرماشان شروع شده و به طرف شمال کشیده می شود و به کوههای هورامان می رسد. در طرف غرب هم سرچشمه های رودخانه سیروان و مناطق شرقی را در بر گرفته و به کرماشان ختم می شود. این لهجه به چهار لهجه محلی تقسیم می شود: ۱- گوران اصیل، ۲- هورامانی (اورامی) ۳- باجلانی ۴- زازا. (فواد حمه خورشید ۱۳۸۸). هورامی یکی از خانواده زبانهای نو شاخه شمال غربی است که در منطقه ای به نام هورامان در دو کشور ایران و عراق به آن تکلم می شود و دارای چندین گویش است. گویش مورد بررسی در این پژوهش، گویش هورامان تخت است. گویش هورامان تخت گویش مردم شهر اورامان تخت و ۱۹ روستای اطراف آن در شهرستان سروآباد از توابع استان کردستان. (مکان نقشه کردستان و اورامان)

از داده های بدست آمده از لهجه ی هورامی این تفاوت جنسیتی نیز به صورتی که در جدول پایین نشان داده شده است تظاهر پیدا می کند - از بازگردانی واژه و اصطلاح به زبان فارسی در جدول برای پرهیز از آشفتگی اطلاعات خودداری شده است - .

تحلیل داده ها از لهجه هورامی را مطابق پارامترها ی ۱ و ۲ مجله زبان شناسی دانشگاه شیکاگو انجام می دهیم و آنچه که در لهجه هورامی از جنسیت دیده می شود را تفسیر کرده و به شرح بیان می نماییم .

مورد خطاب دادن شکل مقابل (معنی اصطلاح خوب هستی)

Hawrami		
	SG	PL
M	vaš <u>ni</u>	vaš <u>ande</u>
F	vaš <u>ani</u>	

شخص غایب (خوب است)

Hawrami		
	SG	PL
M	vaša	vaš <u>ene</u>
F	vaš <u>ana</u>	

همان‌طور که قابل ملاحظه است تفاوت جنسیت در مفرد غایب و مخاطب تظاهر آوایی وجود دارد اما در جمع این تفاوت خنثی می‌شود.

در این لهجه نمود آوایی جنسیت به نوع افعال از لحاظ ظرفیت وابسته است. در تحلیل داده‌های این لهجه مشاهده گردیده است که تظاهر ساختواژی جنسیت در افعال تک ظرفیتی که موضوع بیرونی این افعال دارای نقش تنائیی عامل (Agent) هستند دیده شده است - افعال تک ظرفیتی از قبیل آمدن، رفتن، خوابیدن، نشستن، است، ایستادن (افعال ناگذر) تظاهر ساختواژی جنسیت در جنس مذکر با واج‌های /ā, a/ و در مونث با جایگزین کردن واج /e/ می‌باشد اگرچه در برخی موارد در جنس مذکر با حذف /a/ در مونث یا ظهور /ā/ نشان داده می‌شود مانند عبارت /xas ni/ در مذکر و /xas ani/ در مونث نشان داده می‌شود.

تظاهر آوایی جنسیت در زبان بی‌گمان به جامعه‌ی آن زبان مرتبط است. در لهجه‌ی هورامی علاوه بر موارد ذکر شده در بالا گاهی به مواردی برخورد می‌کنیم که نمی‌توان در نحو آن زبان دلیلی برای آن یافت البته تمام موارد نحوی که ذکر گردید توجیهی برای تفاوت گفتار مردان و زنان است زیرا نحو یک زبان به صورت بالقوه هیچ تمایزی میان زن و مرد ایجاد نمی‌کند پس تفاوت به گونه‌ای مطلق غیر زبانی است. در این لهجه به عنوان مثال فعل باریدن، برای برف و باران متفاوت است و از همین تفاوت جنسیتی برای این دو مورد استفاده می‌شود برای باران از صورت مذکر آن برف ← *var en* و برای باران ← *var ān* همچنین در برخی موارد دیگر برای اشاره به یک جفت گوشواره از صورت مونث و به یک عدد گوشواره - نه یک جفت - از صورت مذکر اشاره می‌شود.

گوشواره ← جفت *barārd ene*
 ← مفرد *barard an*

برای البسه و پوشاک انسان از کمر به پایین صورت مونث و از کمر به بالا صورت مذکر به کار برده می‌شود یعنی افعالی مانند پوشیدن، درآوردن، پاره شدن و ... که به لباس و پوشاک اشاره کند، مشمول این قاعده می‌گردد. این نوع افعال تنها افعالی هستند که اگرچه تک ظرفیتی نیستند، اما تظاهر ساختواژی جنسیت در آنها وجود دارد و جزو تنها افعال دو ظرفیتی هستند که این نمود در آنها به چشم می‌خورد.

باتوجه به مطالب بالا این تظاهر ساختواژی جنسیت در این لهجه را چگونه می‌توان تفسیر کرد؟ گویش وران چه تفاوتی در باران و برف و همچنین در البسه کمر به بالا و کمر به پایین را مشاهده کرده اند که این تفاوت جنسیتی را به آن وارد دانسته اند؟ چرا سایر لهجه‌های زبان کردی فاقد چنین سیستمی هستند؟ آیا اقلیم بکر و دست نیافتنی اورامان تخت در گذشته باعث ماندگاری چنین سیستمی در زبان شده و در سایر لهجه‌ها از بین رفته است؟ آیا باورهای مردسالارانه در این جامعه زبانی باعث شده است که مثلاً لباس و پوشاک را به این صورت دسته‌بندی کرده و پایین دست را به صورت مونث بیان می‌کند و بالایی را برای بیان تفوق و برتری جنس مذکر به صورت مذکر بیان کرده است؟ پاسخ به این سوالات کار آسانی نیست اگرچه تنها در سطح نظریه‌پردازی ساده‌ای باقی خواهد ماند و نمی‌توان به پاسخی قطعی دست پیدا کرد.

نتیجه‌گیری

- نمود جنسیت در لهجه‌ی هورامی (اورامی) یکی از لهجه‌های زبان کردی به صورت ساختواژی - نحوی تظاهر پیدا می‌کند.
- تظاهر ساختواژه جنسیت در این لهجه در صورت جمع خنثی شده و از یک صورت برای هر دو در جمع استفاده می‌شود.

- تظاهر ساختواژی جنسیت در صورت مفرد در مخاطب و غایب وجود دارد و نشان داده می‌شود.
- تفاوت جنسیتی به نوع افعال از لحاظ ظرفیت بستگی دارد و بیشتر در افعالی که تک ظرفیتی بود و دارای موضوع بیرونی که نقش تنابیی عامل (Agent) دارند به صورت ساختواژی تظاهر پیدا می‌کند.
- تفاوت جنسیتی در برخی موارد به گونه‌ای است که در حوزه‌ی جامعه‌شناسی زبان باید به آن پرداخت.

منابع:

- آنتونی گیدنز، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، تهران ۱۳۷۴
- استفانی گرت، جامعه‌شناسی جنسیت، ترجمه کتابیون بقایی، نشر دیگر، تهران ۱۳۸۰
- اگرادی ویلیام، دایرولسکی مایکل، آرنف مارک - درآمدی بر زبان‌شناسی معاصر، ترجمه محمد علی درزی، انتشارات سمت تهران ۱۳۸۰
- سفیری خدیجه، ایمانیان سارا، جامعه‌شناسی جنسیت، انتشارات جامعه‌شناسان، تهران ۱۳۸۸
- دکتر فواد حمه خورشید، زبان کردی و پراکندگی جغرافیایی لهجه‌های آن، ترجمه ی سعید خضری جعفر خضری انتشارات پانیز، تهران ۱۳۸۸
- یحیی مدرس، درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران ۱۳۶۸

simpson james " the routledge hand book of applied linguistics – Gender by Judith baxter 2011

R.francose . on male and female speech and more: categorical gender indexicality in indigenous south American languages. International journal of American linguistics. Vol.81.No.4(October 2015).pp.495-537.published by: university of Chicago press

M, baerman and D-Brown and G-Corbett. "The syntax morphology interface a study of syncretism" Cambridge university press, 2005.